

- سرشناسه : غفوری، فرزین، ۱۳۵۳ -
- عنوان و نام پدیدآور : سنجش منابع تاریخی شاهنامه در پادشاهی خسرو انوشیروان / پژوهش و نگارش فرزین غفوری.
- مشخصات نشر : تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۷.
- مشخصات ظاهری : ۵۷۷، ۶ ص.
- فروست : میراث مکتوب؛ ۳۱۹. متن شناسی؛ ۱۳.
- شابک : 978-600-203-131-0
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- یادداشت : کتابنامه: ص. ۵۴۹ - ۵۵۵.
- یادداشت : نمایه
- یادداشت : فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه - مآخذ.
- موضوع : Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh-Sources
- موضوع : خسرو ساسانی اول، شاه ایران - ۵۷۹ م.
- موضوع : Khosrow I, King of Persia
- موضوع : فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه - نقد و تفسیر
- موضوع : Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh-Criticism and interpretation
- شناسه افزوده : مرکز پژوهشی میراث مکتوب
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ س ۷ غ / PIR ۴۴۹۵
- رده بندی دیویی : ۸ فا ۱/۲۱
- شماره کتابشناسی ملی : ۵۱۷۵۸۴۹

سنجش منابع تاریخی شاهنامه

در پادشاهی خسروانوشیروان

پژوهش و نگارش

فرزین غفوری

سنجش منابع تاریخی شاهنامه

در پادشاهی خسروانشیروان

♦

پژوهش و نگارش

فرزین غفوری

♦

ناشر

میراث مکتوب

♦

مدیر تولید: محمد باهر

♦

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

♦

صفحه آرا: محمود خانی

♦

چاپ اول: ۱۳۹۷ هـ

♦

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

♦

بها با جلد شومیز: ۵۹۰۰۰ تومان

بها با جلد سخت: ۶۹۰۰۰ تومان

♦

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۳-۱۳۱-۰

♦

چاپ (دیجیتال): میراث

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است

نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۰۶۲۵۸، دورنگار: ۶۶۴۹۰۶۱۲

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

بسم الله الرحمن الرحيم

دریابی از فرهنگ پرمایه اسلام و ایران، درخشان‌ترین جلوه‌های علمی و فرهنگی این سرزمین است. کارنامه دانشمندان و نویسندگان بزرگ و هویت نام‌های ایرانیان است، برعهده هر نسلی است که این میراث پراچ را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب و سوابق علمی خود به احیاء و بازسازی آن اهتمام ورزد.

بایسته‌ترین کوشش‌هایی که در سال‌های اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تبیین آنها انجام گرفته و صد مکتوب در سال از ششصد انتشار یافته هنوز کار نکرده بسیار است و هزاران کتاب و رساله‌های موجود در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است. بسیاری از متون نیز اگرچه بارها به طبع رسیده، به‌منطق برر و روش علمی نیست و تحقیق و تبیین مجدّد نیاز دارد.

اینها و شش کتاب و رساله‌های خطی و خطی‌های است بر دوش محققان و مؤسسات فرهنگی. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوشش‌های محققان و محققان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرهنگی و علاقه‌مندان به دانش و فرهنگ، سهمی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه‌ای از ششصد از متون و منابع تحقیق به جامعه فرهنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

سلسله انتشارات متن‌شناسی، مجموعه پژوهشهایی است که گامی از تبیین متن فراتر می‌نهد و به‌نظر به پردازش و تبیین، ساختارشناسی متن، نقد، بررسی تحلیلی لفظی و معنایی متون می‌پردازد.

اکبر ایرانی

مدیر عامل مرکز پژوهشی میراث مکتوب

این کتاب را به مرحوم پدرم تقدیم می‌کنم
که افزون بر قرآن و خوشنویسی و عشق به شاهنامه و کتاب
مرادرس زندگی و چگونه زیستن آموخت



فهرست مطالب

◆◆◆

۱۳	یادداشت استاد دکتر جلال خالقی مطلق.....
۱۵	پیشگفتار نویسنده.....
۲۰	اختصارات مهم.....
۲۱	مقدمه‌ای در کلیات تحقیق.....
۲۱	از مسئله تا فرضیه.....
۲۸	پیشینه پژوهش.....
۴۷	نگاهی به مهمترین منابع پژوهش.....
۶۱	بخش یکم - مطالعه تطبیقی منابع.....
۶۳	فصل یکم - اصلاحات مالیاتی خسروانوشیروان.....
۶۳	مقدمه: چشم‌انداز تاریخی.....
۶۵	مالیات کشاورزی.....
۷۳	مالیات سرانه.....

۷۸	 ابلاغ اصلاحات مالیاتی
۸۳	 تأسیس دیوان جدید
۸۹	 نتیجه
۹۱	 فصل دوم - اصلاحات نظامی خسرو انوشیروان
۹۲	 ایجاد چهار منطقه نظامی
۹۲	 ۱. سپاهبدان چهارگانه
۱۰۰	 ۲. مناطق چهارگانه
۱۰۱	 منطقه شرق
۱۰۳	 منطقه جنوب
۱۰۷	 منطقه شمال
۱۰۸	 منطقه غرب
۱۱۰	 بازسازماندهی سپاه ایران
۱۱۰	 ۱. تحول در دیوان سپاه
۱۲۶	 ۲. طرحی برای ایجاد سپاهی کارآمدتر
۱۳۱	 نتیجه
۱۳۳	 فصل سوم - ارزش شاهنامه در گزارش نبرد انطاکیه
۱۳۴	 زمینه‌ها و علل وقوع جنگ
۱۴۳	 گزارش شاهنامه از آغاز جنگ و روند آن
۱۴۳	 ۱. شکایت منذر
۱۴۵	 ۲. نیروی کمکی
۱۵۱	 ۳. انجمن جنگ
۱۵۲	 ۴. جشن سده
۱۵۳	 ۵. سازمان سپاه
۱۵۴	 ۶. سوراب
۱۵۵	 ۷. آرایش روم
۱۵۵	 ۸. معمای فروریوس
۱۵۶	 ۹. قالدنیوس
۱۶۰	 ۱۰. تسخیر انطاکیه

۱۶۳	مذاکره صلح؛ مهراس یا مگاس
۱۶۸	شیروی بهرام
۱۷۱	فصل چهارم - ارزش شاهنامه در گزارش سرگذشت انوشزاد
۱۷۲	مسیر جنوبی
۱۷۵	بیماری شاه
۱۷۸	نقد نظریه نولدکه - پیگولوسکایا
۱۸۱	نقش مارآبای اول در شورش انوشزاد
۱۸۵	گزارش حکیم توس از سرگذشت انوشزاد
۱۹۰	نبرد نابرابر در جبهه ارمنستان
۱۹۲	نبرد رام برزین با انوشزاد
۱۹۶	نتیجه
۱۹۹	فصل پنجم - رام برزین و مقام بیدخش در عصر ساسانی
۲۰۱	پیشینه بحث
۲۰۶	نمونه نخست: رام برزین
۲۱۴	نمونه دوم: نرسی برادر بهرام گور
۲۲۳	نمونه سوم: سوخرا و مهار شدیدترین بحران عصر ساسانی
۲۳۹	تأیید متقابل مقام و کارنامه
۲۴۳	نتیجه
۲۴۵	فصل ششم - زیب خسرو و دو گزارش هماهنگ در شاهنامه
۲۴۶	گزارش نخست شاهنامه: مرحله تأسیس شهر
۲۵۰	اقدامی در تضاد با برده‌داری
۲۵۳	کفشگر قالینیوسی در زیب خسرو
۲۵۷	گزارش دوم شاهنامه: مرحله توسعه شهر
۲۶۶	نتیجه
۲۶۹	فصل هفتم - خسروانوشیروان و جبهه شرق
۲۷۱	علت وقوع جنگ
۲۷۵	شکست هیتالیان
۲۷۵	۱. فرمانروای هیتالی

۲۷۶	۲. نقد فرضیه عملیات مشترک
۲۸۱	۳. شرح جنگ
۲۸۶	۴. درخواست تحت‌الحماگی
۲۹۱	مواجهه خسروانوشیروان با خاقان
۲۹۴	فرایند تنش‌زدایی و صلح
۲۹۴	مذاکره و توافق
۲۹۷	ازدواج سیاسی و گزارش شاهنامه از مادر هرمز
۳۰۳	نتیجه
۳۰۷	فصل هشتم - ایرانیان در یمن
۳۰۷	زمینه تاریخی مداخله ایران
۳۰۹	درخواست کمک یمن
۳۱۳	جنگ یمن
۳۱۳	۱. نخستین عملیات ایرانیان در یمن
۳۱۸	۲. دومین عملیات ایرانیان در یمن
۳۲۱	بازتابهای رویداد فتح یمن در شاهنامه
۳۲۱	۱. بازتابهای غیرمستقیم
۳۲۳	۲. بازتابهای مستقیم
۳۲۴	نتیجه
۳۲۷	فصل نهم - نبرد خسروانوشیروان با دومین امپراتور همعصرش
۳۲۸	زمینه‌های چالش و علل وقوع جنگ
۳۳۲	آغاز جنگ و ضدحمله ایران
۳۳۵	گزارش شاهنامه
۳۳۵	۱. علت آغاز جنگ
۳۳۹	۲. شرح جنگ
۳۴۳	۳. بن‌بست شش ماهه
۳۴۷	۴. درخواست صلح روم
۳۴۹	نتیجه

۳۵۳	بخش دوم - مطالعه انتقادی منابع
۳۵۵	فصل دهم - سنجش اولیه منابع
۳۵۵	افق پژوهش
۳۵۶	مروری بر نتایج بخش یکم
۳۶۸	برایند نتایج بخش یکم
۳۷۵	فصل یازدهم - غرر السیر ثعالبی و شاهنامه فردوسی
۳۷۶	ثعالبی مرغنی یا نیشابوری
۳۷۸	نام کتاب و محتوای آن
۳۸۰	ارتباط شاهنامه و غرر السیر
۳۸۰	۱. شاهنامه ابومنصوری
۳۸۴	۲. منبع مشترک
۳۹۲	۳. فرضیه استفاده ثعالبی از شاهنامه فردوسی
۳۹۴	بررسی گزارش های فردوسی و ثعالبی از پادشاهی خسروانشیروان
۴۰۵	نتیجه
۴۰۹	فصل دوازدهم - نهایه الارب و اخبار الطوال
۴۱۰	نظر پژوهشگران درباره نهایه الارب
۴۱۶	درباره منشأ نهایه الارب
۴۱۷	۱. اطلاعات مقدمه نهایه الارب
۴۲۰	۲. اطلاعات مقدمه تجارب
۴۲۳	دینوری و اخبار الطوال
۴۲۶	ارتباط اخبار الطوال با نهایه الارب
۴۳۲	مقایسه گزارش های اخبار الطوال و نهایه الارب
۴۴۱	نتیجه
۴۴۵	فصل سیزدهم - ابوعلی مسکویه و تاریخ پادشاهی خسروانشیروان
۴۴۷	گزارش های مسکویه از پادشاهی خسروانشیروان
۴۴۷	۱. گزارش نخست
۴۴۸	۲. گزارش دوم
۴۵۳	دیدگاهها درباره منشأ گزارش دوم مسکویه

۴۵۷	التاج فی سیرة انوشروان
۴۶۹	الکارنامج فی سیرة انوشروان
۴۷۶	نتیجه
۴۷۹	فصل چهاردهم - مراحل تدوین شاهنامه فردوسی
۴۸۰	فردوسی و شاهنامه
۴۸۶	مراحل زندگی فردوسی و تدوین شاهنامه
۴۸۷	۱. کلید سالشماری زندگی فردوسی
۴۹۰	۲. مراحل تدوین شاهنامه
۴۹۹	اهمیت عهد انوشیروان
۵۰۷	نتیجه
۵۰۹	فصل پانزدهم - نتایج و دستاوردهای پژوهش
۵۰۹	نتایج مطالعه تطبیقی منابع
۵۱۴	نتایج مطالعه انتقادی منابع
۵۲۲	نتایج فرعی
۵۲۳	شناخت بهتر از دوره خسروانوشیروان
۵۲۳	تأییدی دیگر بر امانتداری فردوسی
۵۲۴	پاسخ تاریخی به دیدگاه دیویس و دیویدسن
۵۲۷	نمایه
۵۴۹	کتابشناسی
۵۴۹	الف - منابع کهن (فارسی و غیرفارسی)
۵۵۵	ب - پژوهشهای جدید (فارسی و غیرفارسی)

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

یادداشت

از آنجا که از ادبیاتِ نسبتاً غنیِ زبان پارسی میانه پهلوی و مانوی، و حتی ترجمه‌های عربی و فارسی آنها، جز رسالاتی اندک و کم‌برگ و غالباً دینی - اخلاقی، بقیه دستخوش تاراج زمانه شده است، شاهنامه فردوسی که با واسطه مأخذ مدون به متون پارسی میانه (و نیز به فارسی و عربی) برمی‌گردد، ناچار یکی از منابع بسیار مهم ما در پژوهش تاریخ و فرهنگ ایران باستان است. از این رو در دوران معاصر، در پژوهش‌های مربوط به ایران کهن که توسط دانشمندان ایرانی و غیرایرانی انجام گرفته است، همیشه از این کتاب به عنوان اثری معتبر بهره گرفته‌اند. اکنون جای بسی خشنودی است که آقای دکتر فرزین غفوری در کتاب حاضر با موشکافی و دقت علمی، در یک مقایسه تطبیقی، بار دیگر اصالت و اهمیت و اعتبار متن شاهنامه را به ثبوت رسانیده‌اند. با آنکه میان ایشان و نگارنده، در ارتباط با مأخذ شاهنامه، در نکته‌ای اختلاف نظر هست ولی این اختلاف چیزی از علمیتِ روش، منطق استدلال و درستی و اهمیت نتیجه‌گیری‌های پژوهنده

نمی‌کاهد. ایشان با چیرگی چشمگیری بر منابع موجود، توانسته‌اند با رنجی بزرگ اثری معتبر بر گنجینه پژوهش‌های تاریخ و فرهنگ ایران کهن بیفزایند. نگارنده این توفیق بزرگ را به ایشان دست مریزاد می‌گوید و مطمئن است که خواننده صاحب‌نظر خود از ارج این اثر گرانسنگ به خوبی آگاه است.

جلال خالقی مطلق

هامبورگ، آذرماه ۱۳۹۵

چو دیدار یابی به شاخ سَخُن
بدانی که دانش نیاید به بُن

پیشگفتار

◆◆◆

مدتی است که عمر شاهکار جهانی فردوسی، شاهنامه، مرز هزاره را درنور دیده و اهمیت و تأثیر آن در این مَدّت بر سرنوشت ایران و ایرانیان، یک‌تنه با تأثیر حدود هزار سال پادشاهی اشکانیان و ساسانیان در شکل‌گیری و تداوم اندیشه ایرانی‌شهری و هویت ایرانی پهلوی می‌زند. ستاره فردوسی در چنان برهه خطیری بر سپهر تاریخ ایران دمید و درخشید که پس از سقوط ساسانیان و در فقدان دولت ملی، نه تنها «زمانه سراسر پر از جنگ بود» بلکه فرهنگ نیز دچار آشفتگی و عدم تعادل گردیده و هویت ایرانی در معرض سرگشتگی و گم‌گشتگی قرار گرفته بود. بازماندگان خاندانهای اصیل ایرانی از طبقات بالا (دین‌یاران و جنگاوران) و طبقات میانی (به ویژه دهقانان) کوشش می‌کردند تا در برابر آشفتگیهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی اصالت خویش را حفظ کنند. حاصل این ایستادگیها در عرصه سیاسی، قیامهای پر شمار و سرانجام تشکیل دولتهای نیمه‌مستقل و مستقل از دستگاه خلافت در سرزمینهای ایرانی بود. اما در عرصه فرهنگی

ایرانیان حتی موفق‌تر عمل کردند و با به دست گرفتن نبض دانش در تمدن اسلامی از یک سو و به اوج رساندن ادبیات فاخر فارسی از سوی دیگر، احیای ایران را در بلندمدت تضمین کردند. در فرایند تبلور و تکامل ادبیات ایران پس از اسلام، ابتدا تحریرهای مختلف خدای‌نامه و ترجمه‌ها یا تحریرهای عربی آنها موسوم به سیرالملوک شکل گرفت و سپس جای خود را به شاهنامه‌نگاری داد. در تحول موازی دیگری و با هدف افزایش هرچه بیشتر بُرد اجتماعی، شاهنامه‌های منثور میدان مقاومت فرهنگی را به شاهنامه‌های منظوم سپردند و در عین حال حماسه‌های منظوم کوچکی نیز سروده می‌شد. همه این پیشرفت‌ها در حالی صورت می‌پذیرفت که بستر اجتماعی به دلیل سیاست خلفای جائر اموی و عباسی به ضرر نخبگان شیعی و ایرانی بود و تنها با همت والا و کوشش خستگی‌ناپذیر، شنا کردن در مسیر خلاف جریان رودخانه میسر می‌شد. در این برهه، بی‌گمان فردوسی بر رسالت تاریخی خویش و اهمیت کاری که درصدد انجامش بود کاملاً اِشراق داشت و با چنین جان آگاه و لبریز از عشق ایران به سرایش شاهنامه‌اش دست برگشود.

هر که در هر کار با عشق است یار کار او باقی است اندر روزگار

(مولوی)

از آنجا که آنچه خوبان همه داشتند فردوسی یکجا داشت شاهنامه‌اش را به اوجی تکرارناپذیر رساند و آن را نه تنها در ادبیات پرفروغ ایران زمین جاودان ساخت بلکه برای خود و شاهکارش به جایگاه رفیعی در تاریخ ادبیات جهان دست یافت. این شاهکار جهانی به یمن شخصیت پرمنش و پیچیده آفریننده‌اش، ابعاد گوناگونی پیدا کرده است؛ از یک سو حافظه دیرپای ایرانیان از ژرفای تاریخ و پیشاتاریخ است و از سوی دیگر روح حماسی ملت مقاوم ایران را تجلی می‌بخشد. از یک طرف آموزاننده اصول زندگی درست و بازتاباننده سبک زندگی خردگرای ایرانی است و از طرف دیگر مشحون از آموزه‌های اخلاقی و منش پهلوانی. فردوسی با پاسداشت زبان فارسی در قالب زیبا و استوار شاهنامه نه تنها زبان ملی اقوام ایرانی را از خطر اضمحلال نجات بخشید بلکه با به

جلوه درآوردن زیبایی و ظرفیتش به ترویج آن در پهنه ایران زمین یاری رساند. سرانجام آیین تمام‌نمای روح ایرانی، شاهنامه فردوسی، الهام‌بخش هویت ایرانی و احساس ایرانی بودن برای همه مردم ایران است. تاریخ انگیزه‌بخش و اراده‌ساز است و هنگامی که با اسطوره و حماسه درآمیزد برانگیزاننده‌تر می‌شود.

شاهنامه از تاریخ اساطیری می‌آغازد و رفته‌رفته رنگ تاریخ واقعی به خود می‌گیرد به طوری که این ویژگی در بخش ساسانی آن به اوج می‌رسد. پژوهندگان پیش‌تاز دریافته بودند که میان مطالب ساسانی شاهنامه و آثار اوایل دوره اسلامی همانندی بسیاری وجود دارد و این همسانی‌ها مسلماً به یک اصل مشترک بازمی‌گردد. با وجود آنکه در حدود صدوپنجاه سال گذشته در پژوهشهای ساسانی، پژوهشگران بارها ناگزیر از ارجاع به مطالب ساسانی شاهنامه شده‌اند اما نه‌تنها در این باره کار روشمند و منسجمی که ارزش تاریخی شاهنامه را به عنوان یک منبع تمام‌عیار به‌بوته آزمایش نهد انجام نگرفته است بلکه برخی تأکیدها بر شأن شاعری فردوسی باعث مهجور ماندن این بعد مهم شاهنامه شده‌اند. همچنین از منظر «تاریخ ادبیات» در این یک‌ونیم قرن هرچند اجماع نسبتاً گسترده‌ای درباره شاهنامه منشور ابومنصوری به عنوان اساس کار فردوسی در سرایش شاهنامه شکل گرفته است اما مبحث مهم منابع شاهنامه پیشرفت قابل ملاحظه دیگری نداشته است و از این رو از جزئیات روش کار فردوسی بی‌خبریم. بنابراین باید در قسمت ساسانی شاهنامه مقطعی مهم برای تمرکز و پژوهش تاریخی انتخاب می‌شد.

اهمیت پادشاهی خسروانوشیروان در دوره ساسانی کاملاً روشن است. این شاهنشاه بزرگ به سبب کارنامه در مجموع بسیار درخشانش (هرچند بی‌اشتباه نیز نبوده، و البته چه کسی در تاریخ بی‌اشتباه بوده است؟!) به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پادشاهان ایران و جهان شناخته می‌شود. خوشبختانه به یمن همین کارنامه درخشان، از دوره خسروانوشیروان منابع به نسبت بیشتری، از بی‌زبانی و ارمی گرفته تا آثار اوایل دوره اسلامی، در دست است. به همین ترتیب بازتاب پادشاهی خسروانوشیروان در شاهنامه فردوسی نیز بسیار قابل ملاحظه است و با بیش از ۴۵۰۰ بیت به تنهایی برابر است با

میزان تأمل برانگیز یک یازدهم کل شاهنامه. از این رو نگارنده از سال ۱۳۸۵ و در چارچوب پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهش در این قسمت از شاهنامه را آغاز کرد و توانست آن را در دوره دکتری پی گرفته و تعمیق بخشد.

فصلهای پژوهش کنونی در دو بخش تطبیقی و انتقادی تنظیم و سازماندهی شده است؛ بخش یکم هرچند مطالعه تطبیقی نام دارد اما در واقع مشحون از تحلیلهای ضروری برای روشن سازی نقاط ابهام‌آلود در منابع تاریخی و شاهنامه است. مطالعه تطبیقی در فصلهای بخش نخست نشان‌دهنده برتری گزارشهای شاهنامه در بسیاری موارد به ویژه در گزارش جنگهای خسروانوشیروان است. گزارش شاهنامه در این مورد بر همه منابع اوایل دوره اسلامی و مورخان حرفه‌ای مانند طبری و بلعمی و یعقوبی برتری دارد. شاهنامه گاه با وجود کمبود جزئیات نسبت به منابع بیزانسی، برای رفع برخی کاستیهای آنها اطلاعات ارزشمندی در اختیار می‌گذارد. فصل هشتم به این دلیل مهم به نگارش درآمد که با توجه به نتیجه مهم بالا (برتری شاهنامه در گزارش جنگهای خسروانوشیروان) نباید بررسی فقدان رویداد مهم جنگ یمن در شاهنامه مسکوت و مغفول می‌ماند. در این فصل ضمن روشن شدن عدم وجود گزارش جنگ یمن در منابع پهلوی و به تبع آن فقدان شرح این جنگ در شاهنامه ابومنصوری و شاهنامه فردوسی، صحت اطلاعات کتاب‌نهایه‌الارب و اسنادهای آن به اثبات رسیده که برای ادامه بحث در بخش دوم اهمیت زیادی دارد. مطالعه انتقادی منابع در فصلهای بخش دوم توانسته است نشان دهد که گزارشهای منحصر به فرد شاهنامه، نهایه‌الارب، اخبار الطوال و تجارب الامم مسکویه هر یک افزون بر اطلاعات خدای‌نامه از منابع اختصاصی پادشاهی خسروانوشیروان نیز بهره‌مند شده‌اند. به این ترتیب راه برای تأیید نهایی فرضیه اصلی این پژوهش که همانا استفاده فردوسی از کتاب الکارنامج فی سیره انوشیروان است هموار گردید. فصل چهاردهم به این دلیل مهم به نگارش درآمد که نگارنده در ضمن این پژوهش به تدریج متوجه تلاقی و تأیید متقابل نتایج مطالعه خود در رشته تاریخ با نتایج مطالعه مرحوم استاد دکتر محمدامین ریاحی در رشته تاریخ ادبیات شد. از بررسی و مباحث این فصل، ضمن تأیید و تقویت نظریه

ریاحی دربارهٔ سیر تدوین شاهنامه و سالشمار زندگی فردوسی، تأیید متقابلی نیز برای دستاوردهای این پژوهش به دست آمده که بسیار مهم است.

دشواری کار در این زمانهٔ وانفسا و زندگی فرسایشی نیازی به شرح و توضیح ندارد، با این حال تا آنجا که زمان و ظرفیت زندگی اجازه می‌داد در کار پژوهش تأمل نمودم و از شتابزدگی پرهیختم تا شاید کاری شایستهٔ شأن شکوهمند شاهنامه ارائه دهم. بسیار بایسته است که از یکایک استادانم در فرهنگستان زبان و ادب فارسی و گروه تاریخ دانشگاه تهران، به ویژه جناب آقای دکتر روزبه زرّین‌کوب، که مشفقانه مرا در این کار یاری نمودند سپاسگزاری کنم. همچنین از هیئت داوران جایزهٔ استاد دکتر فتح‌الله مجتبابی و شخص ایشان سپاس بیکران دارم که در دی‌ماه ۱۳۹۵ رسالهٔ دکتری نگارنده (کتاب حاضر) را به عنوان یکی از دو رسالهٔ برگزیدهٔ سال ۱۳۹۴ اعلام فرمودند. پیش از اعلام برندگان این جایزه، استاد گرانمایه و شاهنامه‌پژوه نستوه، استاد دکتر جلال خالقی‌مطلق، در آذرماه ۱۳۹۵ بر نگارنده منت نهادند و یادداشت پرمهری برای چاپ در آغاز کتاب ارسال فرمودند که از ایشان نیز بی‌نهایت سپاسگزارم. همچنین بایسته و شایسته است از جناب آقای دکتر اکبر ایرانی و همهٔ همکاران گرامی که در مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب زمینهٔ چاپ آراستهٔ این کتاب را فراهم کردند قدردانی کنم.